آتش دائم

منتخبی از گفتارهای
ربای لوباویچ
ربی مناخم مندل شینرسون

ترجمه کتابِ Torah studies

از رَبی جاناتان ساکس.اِم.اِ.(کنتاب) دکترای فلسفه

ترجمه فارسی بوسیلهٔ

پرویز مژدهی

Translated into Farsi by:
Mr. Parviz Mojdehi

*

Reprinted with permission by:
Chabad Persian Youth
&
Moshiach Awareness Center

Issue # 5
Parshat Chayei Sarah, 5787
26 Cheshvan, 5787
November 6, 2026

Friday, November 6, Light Shabbat Candles, by **4:37** p.m
Saturday, November 7, Shabbat ends at **5:40** p.m.
(Times are for Los Angeles)

قطع شد" [11] زمانی که او خبر قربانی شدن یسحاق را شنید " [12] از شدت غصه و یا از شدت شادی روح از تنش جدا شد" [13]. اگر او در دوران زندگیش وظیفه اش را کامل نکرد ما چگونه می توانیم بگوئیم که زندگی او در حد کمال بود؟

در جواب به این موضوع میدارش به ما می گوید که تورا این مطلب را که" این است سالهای زندگی سارا" اضافه کرده است که به ما بفهماند که زندگی صدیقیم هم در این دنیا و هم در جهان آینده برای خداوند ارزشمند است. به عبارت دیگر فرد صدیقی که قبل از زمان خودش فوت می کند می تواند وظیفه اش را حتی در بعد از فوتش در دنیای دیگر نیز کامل کند. به همین ترتیب "پاداش معنوی انجام اعمال خوب در این دنیا بعد از مرگ به شخص فوت شده در آن دنیا داده خواهد شد" [14] و اعمال "نیک فرزندان در این دنیا به والدین فوت شده در آن دنیا کمک می کند". [15]

۸- روح جاودان

مشگل دیگری نیز در اینجا باید حل بشود. زندگی ما شامل زمانی است که به ما اهداء شده است. و این زمان نه صرفا بخاطر انجام دادن مقداری اعمال نیک به ما عطا شده بلکه خود این زمان نیز می بایست بوسیله اعمال ما مقدس بشود. روزی که در آن اعمال نیک و میصووت انجام شده است روزی است که هدفش انجام شده است بنابراین حتی اگر چه سارا وظیفه اش را در دنیای دیگر (بعد از فوتش) انجام بدهد. این مقدار زمان که متعلق به او بوده است و مربوط به این دنیا است ناقص و بدون تقدس باقی مانده است.

به همین علت است که پاسوق بعد از توضیح زندگی سارا ادامه میدهد که" این است سالهای زندگی سارا". که میدراش توضیح میدهد که آن اشاره به زندگی بعد از مرگ او است و از آنجا که توراه به زندگی بعد از مرگ او به عنوان ادامه زندگی او اشاره می کند در واقع به ما می گوید که تاثیر تقدس او حتی بعد از مرگش نیز ادامه داشته و باقی مانده است. یک زندگی کامل با مرگ به پایان نمی رسد. بلکه بعد از مرگ نیز این زندگی همه چیزهایی را که بعدا واقع می شود را نیز مقدس می کند.

(Source: Likkutei Sichot, Vol. 5, pp. 92-104)
منبع : لیکوتی سیخوت جلد پنجم صفحه ۹۲ الی ۱۰۴)

۱۱- روش هشانا۱۶ ب باباکما ۹۳ الف ۱۲- برشیت ربا ۵-۵۸ ۱۳- ریواسفرهیاشار

۱۴- پیرکی آوت ۸،۵ ۱۵- سنهدرین ۱۰۴ الف

TO DEDICATE AN ISSUE IN HONOR OF A LOVED ONE, CALL (323) 934-7095

For this and other books on Moshiach & Geulah, go to: http://www.torah4blind.org

خَیِی سارا

اگر چه نام پاراشای این هفته خییی سارا یعنی زندگی سارا می باشد ولی پاراشا با مرگ ساراو با این پاسوق که زندگی سارا یکصد سال و بیست سال و هفت سال بود آغاز میگردد . این تکرار کلمه سال در این پاسوق حخامیم را واداشته است که آنرا به عنوان مدح و ستایش سارا تفسیر کنند. در این مبحث این تفاسیر حخامیم مورد بررسی قرار گرفته و نشان میدهد که چگونه هریک از این تفاسیر خصوصیات مختلفی از کمالی که سارا از آن بهره مند بوده است را عنوان کرده اند. و همچنین نشان میدهد که چگونه صداقت و درستی روحانی، انسان زا به فراسوی پژمرده گی و شکستگی هایی که زمان ایجاد می کند می رساند.

۱- اولین میدراش

و "زندگی سارا یکصد سال و بیست سال و هفت سال بود. این است سالهای زندگی سارا" [۱] در مورد این پاسوق میدراش می گوید [۲] "خداوند روزهای زندگی شخص صدیق را میداند و میراث آنها تا به ابد خواهد بود" . [۳] همانگونه که خود آنها کامل هستند بنابراین سالهای زندگی آنها نیز کامل است . در سن بیست سالگی او به زیبایی هفت سالگی و در سن یکصدسالگی او به معصومیت سن بیست سالگی بود".

(این میدراش بصورت دیگری نیز عنوان میشود که در سن یکصد سالگی او به زیبایی سن بیست سالگی و در سن بیست سالگی او به معصومیت سن هفت سالگی بود.)

مفسرین از جمله راشی اینگونه توضیح میدهند که تاکید میدراش بر این مطلب است که چرا کلمه سال سه مرتبه در این پاسوق تکرار شده است در حالیکه پاسوق می توانست اینگونه بیاید که سالهای زندگی سارا یکصد و بیست و هفت سال بود. و این مطلب میدراش را که می گوید "خداوند روزهای زندگی شخص صدیق را میداند" به معنای "روزهای کمال" زندگی صدیق هم تفسیر می کنند . که منظور آن است که هر روز زندگی شخص صدیق برای خود در حد کمال است . و این مطلب در مورد پاسوق بالا راجع به سارا صادق است به این معنا که همه سالهای زندگی او از نظر کمال با هم مساوی بوده اند. اما این تفسیر دارای مشکلاتی است :

۱-برشیت ۱، ۲۳ ۲- برشیت ربا ۳- تهیلیم ۱۸ ، ۳۷

٦- کمال نهایی

همواره توضیح داده شده است که صدیقیم از "یک نیرو به نیروی دیگری میروند" [۷] یعنی زندگی آنها نه فقط پیشرفت در یک سطح معنوی بوده بلکه پیشرفت آنها بطرف بالا ترین سطوح ایمان به خداوند می باشد حال این مطلب چگونه در مورد این خصوصیت سارا که سالهای زندگی او از نظر کمال با هم مساوی بودند صادق است؟ مطمئنا این مطلب اشاره به عدم وجود چنین پیشرفتی در زندگی سارا می کند؟

این مطلبی است که دومین میدراش به آن پاسخ میدهد . با عنوان این مطلب که سارا در موقع مرگش به مرحله کمال در اعمالش رسیده بود . میدراش این مطلب را فاش می کند .که او به درجه ای از کمال و نزدیکی به خداوند رسیده بود که عملا تمامی اعمال گذشته اش را نیز کامل میکرد. به همان شکل که" یک تشووای واقعی گناهان گذشته را تبدیل به امتیازات روحانی می کند". [۸]

به این ترتیب دومین میدراش به مطالبی بالاتر از اولین میدراش اشاره می کند چرا که اولی صحبت از خصوصیاتی می کند که مابین تمامی صدیقیم مشترک است ولی دومی صرفا اشاره به خصوصیات سارا می کند که او به چنین مرحله ای رسیده بود و عملا تمامی اعمال گذشته اش را بوسیله تشووا به مرحله کمال رسانده بود. به همین علت است که ربی یوخنان او را به قربانی ایی کامل تشبیه می کند چرا که با ارائه این قربانی کامل (اِگلا [۹] اَروفا) تمامی گناهان گذشته "بنی ییسرائل از زمان خروجشان از مصر" [۱۰] نیز به امتیازات معنوی تبدیل شده و تشووای واقعی که باعث پاک شدن گناهان گذشته میشد ، انجام گرفت .

۷- مرگ زودرس

اما هنوز مشکل حل نشده است .

برای زندگی هر فردی زمان خاصی تعیین شده است و برای این زمان وظیفه خاصی نیز تعیین گردیده است که باید انجام بشود. بنابراین سالهای زندگی انسان زمانی است که انسان می تواند در طی آن وظیفه ایی را که خداوند از او انتظار دارد انجام بدهد. ولی حخامیم می گویند که سارا سالهای زندگی اش را کامل نکرد و بی موقع فوت کرد. همانگونه که گفته اند" روح او از بدنش

۷- تهیلیم ۸۴،۸ ۸- تنیا بخش چهارم فصل ۲۸ ۹- دواریم ۲۱،۱۹

۱۰ - هوری اوت ۶ الف . کریتوت ۲۶ الف

الف - این توضیح میدراش که همانگونه که خود آنها کامل هستند ، سالهای زندگی آنها نیز کامل است . اگر کامل بودن در اینجا به معنای عاری از گناه بودن می باشد. بنابراین کمال این افراد و کمال سالهای زندگیشان در واقع "یک چیز "هستند. ولی میدراش در اینجا از "زبان مقایسه" استفاده می کند و می گوید" همانگونه" که بنظر میرسد به دو چیز متفاوت اشاره می کند.

از طرف دیگر چنانچه این کمال اشاره به زیبایی فیزیکی است بنابراین درک این میدراش بسیار مشکل می شود به این علت که اگر چه سارا در یکصدسالگی همچون در سن بیست سالگی زیبا بوده است این مطلب در تمام سالهای زندگیش که مابین بیست و یکصد سالگی است درست نمی باشد چرا که دورانی بوده است که سارا دچار پژمردگی شده است. [۴] "عادت های زنانه از سارا قطع شده بود". بنابراین در یکصدسالگی خود او در حد کمال بود اما سالهای زندگیش (تا زمان رسیدن به یکصد سالگی) کامل نبوده اند.

ب - جمله سالهای زندگی آنها نیز کامل است . عجیب بنظر می آید چرا که طبیعتاً این جمله به ما می گوید که این سالها بوده اند که کامل بوده اندو نه خود او ، اما میدراش بطور غیر معمول این جمله را به عنوان اشاره به کامل بودن خود شخص در طی این سالها تلقی می کند.

ج - بنظر می آید که در این میدراش دو کلمه روزها و سالها در دو عبارت «روزهای زندگی شخص صدیق» و "بنابراین سالهای زندگی آنها نیز کامل است" با هم بطور ناخواسته جابجا شده است . اگر چه در عبارت اول کلمه روزها برای توضیح کلمه سالها در پاسوق توراه (این است سالهای زندگی سارا)، بکار برده شده است مطمئنا اگر کلمه روزها برای توضیح عبارتی که روزهای زندگی شخص صدیق را عنوان می کند ، بکار گرفته میشد بسیار بهتر می بود.

۲- دومین میدراش

بعد از اولین تفسیر ، تفسیر دومی در میدراش به این ترتیب عنوان می شود که "خداوند روزهای شخص صدیق را میداند." و میدراش ادامه میدهد که این مطلب اشاره به شخص سارا می کند که به قول ربی یوخنان او در اعمالش نیز کامل بی نقص بوده "همچون یک قربانی کامل".

در اولین نگاه دو تفاوت مابین این میدراش و میدراش اولی وجود دارد:

الف -در اولین میدراش کلمه "کامل" برای روزها و در این میدراش برای شخص سارا استفاده شده است .

۴-برشیت ۲۲، ۱۸

ثانیا : با ادامه نوعی از زندگی که از آتش و حرارت ذات روحانی سرچشمه می گیرد و نه صرفا با اثرات قابل مشاهده آن (که دوری جستن از مسائل مادی و فیزیکی است) انسان می تواند زمان را ارتقاء داده و اثرات آنرا بربدن کنترل کند. اما این نیز یک حالت موقتی می باشد چرا که هنوز خواهش ها و لذت های مادی در انسان باقی می ماند .

ثالثا: و بالا خره زمانی که حضور روح، بدن فیزیکی و تمامی اعمال انسان را پر می کند در این حالت طبیعت اعمال فیزیکی انسان سرکوب نشده بلکه تغییر شکل می دهد و تمامی وجود انسان در این خصوصیت بی زمانی روح، در ارتباطش با خداوند شرکت می کند. در این حالت است که امکان گناه از بین میرود.

۵- تداوم و ثبات روحانیت سارا

به همین علت است که در میدراش بعد از آوردن این عبارت از تهیلیم که "همانگونه که خود آنها کامل هستند سالهای زندگی آنها نیز کامل است" اضافه می کند که "سارا در سن یکصد سالگی همچون یک زن بیست ساله بود." سارا بخاطر زندگیش که کامل بود به مرحله ای رسیده بود که تغییر و تحول بر او اثری نداشت . و تکرار کلمات سال (شانا) در پاسوق به ما می گوید که هریک از این سالها(۱۰۰ سالگی ، ۲۰ سالگی ، ۷ سالگی) با هم قابل مقایسه بودند . او در سن یکصد سالگی همچون بیست سالگی و یا هفت سالگی از امکان انجام گناه بدور بود. به عبارت دیگر او در این سه مراحل به بالا ترین درجات کمال رسیده بود.

اما ما چگونه می توانیم این مطلب را با این حقیقت که او دچار تغییرات فیزیکی شد و به زمانهایی رسیده بود که زیبایی اش را از دست داده بود تطبیق دهیم ؟ کلمه «شنوتام» هم به معنای "سالهای آنها" و هم به معنای "تغییرات آنها" [۶] می باشد . به این ترتیب میدراش به ما این مطلب را نیز می گوید که حتی "تغییرات آنها نیز کامل بوده است" . حتی اگر چه (در واقع بخاطر اینکه) شخص صدیق از نظر بیرونی و ظاهری تغییر می کند و تحت تاثیر زمان واقع می شود این تغییرات در نهایت ، همانگونه که روشنایی روح صدیقیم هرگز کم نمیشود. ثبات درونی و باطنی وجود این افراد صدیق را آشکار می کنند.

۶-رجوع شود به اورهتورا. میقص ۳۳۸ ب . که لغت شانا به معنای سال با لغت "شینوی" به معنای تغییر هم ریشه می باشد.

ب - اینطور بنظر می آید که در اولین میدراش کلمه کامل شامل همه خصوصیات سارا می شود (از جمله زیبایی فیزیکی) اما دومین میدراش آنرا فقط مربوط به اعمال خوب او می داند .
اما حتی این تفسیر دوم نیز دارای مشگلاتی است :
۱ - مطمئنا این دومین تفسیر میدراش می بایست بیشتر به ما کمک کند که منظور از جمله "خداوند روزهای شخص صدیق را میداند"، را بیشتر درک کنیم . اما این تفسیر دوم چه میخواهد به ما بگوید که واضح و روشن نیست ؟ (که تنها کسی که کامل است باید کامل تلقی بشود؟)
۲ - عقیده ربی یوخنان که می گوید "مثل یک قربانی کامل" آیا به آنچه که ما قبلا از این موضوع درک می کردیم چیزی اضافه می کند؟
۳ - میدراش با عنوان این موضوع که "این مطلب به سارا اشاره می کند" بنظر میرسد که این عبارت تهیلیم" خداوند روزهای شخص صدیق را می داند و میراث آنها تا به ابد خواهد بود" را بیشتر توضیح میدهد تا پاسوق توراه در مورد سالهای زندگی سارا

۳- سومین میدراش

بعد از توضیح دادن این مطلب که سه مرتبه کلمه «سال » در اولین پاسوق تکرار شده است میدراش سپس در مورد عبارت «این است سالهای زندگی سارا» توضیح میدهد و آنرا به دومین قسمت جمله تهیلیم مربوط می کند که «میراث آنها تا به ابد باقی است .»
میدراش می پرسد که چرا تورا لازم میداند که عبارت "این است سالهای زندگی سارا" را اضافه کند؟ و جواب میدهد که "برای آنکه به ما بگوید که زندگی اشخاص (صدیق) برای خداوند هم دراین دنیا و هم در جهان آینده ارزشمند است".
اما این مطلب نیز احتیاج به توضیح دارد :
الف - روشن و واضح است که صدیقیم سهمی در دنیای آینده دارند وحتی زندگی آینده آنها نیز برای خداوند با ارزش است . چرا میدراش لازم میداند که این مطلب را به ما بگوید و حتی برای اثبات آن از تهیلیم هم استفاده کند؟
ب - فرض کنیم که تکرار کلمات "این است سالهای زندگی سارا و زندگی سارا یکصد سال و .....بود" در تورا اشاره ای است به جهان آینده ولی ما چگونه از آن نتیجه می گیریم که زندگی صدیقیم در جهان آینده برای خداوند ارزشمند است ؟
ج - دو تفسیر بظاهر مختلف از قسمت آخر پاسوق، معنای ساده آن که اشاره به زندگی سارا در

این جهان می کند و توضیح میدراش که سخن از زندگی آینده او می کند. با یکدیگر چه ارتباطی دارند؟

٤- حفظ کمال

تمامی این نکات برای ما زمانی روشن می شود که در ابتدا ما این مطلب را درک کنیم که زمانی که انسان خودش را در محیطی می بیند که با معیارهای اخلاقی او مخالف بوده و زیان آور است به سه طریق او می تواند سلامتی و استواری روحانی خودش را حفظ کند :
الف - او می تواند خودش را از درون آنچنان قوی کند که تحت تاثیر محیط واقع نشود ولی این عمل چندان موفقیت آمیز نمی باشد چرا که به محض آنکه او کنترلش را از دست بدهد و یا میزان این کنترل کم بشود او تحت تاثیر محیط قرار می گیرد و بنابراین این عمل چندان نتیجه بخش نخواهد بود.
ب- او میتواند خودش را از محیطش جدا کند. در این حالت نیز عمل او چندان موفقیت آمیز نمی باشد چرا که او فقط خودش را از تاثیر وسوسه ها به دور نگاه داشته است و با آنها مقابله نکرده است و هنوز ممکن است مغلوب آنها بشود.
ج - بالاخره او می تواند تصمیم بگیرد که "محیطش را تحت تاثیر قرار بدهد و آنرا به سطح خودش بالا بیاورد" [۵] این یک موفقیت کامل است . خطر نه فقط اجتناب شده است بلکه کاملا از بین رفته است .
به همین ترتیب انسان می تواند خودش را از تغییراتی که گناه ممکن است در وجود او ایجاد کند حفظ کند و حتی از پژمردگی فیزیکی نیز در امان باشد. او می تواند آسیب هایی که بر اثر گذشت زمان ایجاد میشود را در کنترل خود بگیرد.
اولا : با قوی تر کردن خود از نظر روحانی او میتواند سرعت این پژمردگی و پوسیدگی که در دنیای فیزیکی ایجاد میشود را کمتر کند. که در این حالت احتمال انجام گناه هنوز باقی است و تنها با کوشش و سعی دائمی این احتمال کمی کنترل شده است . به همین علت است که میدراش در مدح سارا می گوید که او در سن یکصدسالگی همچون بیست ساله بنظر می آید . در این سطح تنها شباهت هایی مابین جوانی و پیری وجود دارد و نه آنکه همچون یکدیگر باشند.

۵- از آنجا که انسان ومحیط بر یکدیگر تاثیر می گذارند در نهایت غیر ممکن است که یکی دیگر را متاثر نکند (رجوع شود به رمبام هیلخوت دِعُوت آغاز فصل ششم .)